

استقبال هنرمندان از جشنواره فیلم ۱۰۰

نشست خبری جشنواره فیلم ۱۰۰ با حضور یوسف منصوری دبیر جشنواره، الهه طه‌یی مدیر بخش بین‌الملل و دانیال فرخ مدیر هنری در سالن کنفرانس سازمان سینمایی سوره برگزار شد. علی مرادخانی، مدیر روابط عمومی اعلام کرد که جشنواره از ۱۶ تا ۱۹ اردیبهشت در پردیس سینمایی ملت برگزار و اختتامیه آن ۱۹ اردیبهشت در تالار اندیشه حوزه هنری

خواهد بود. دانیال فرخ نیز از تغییرات در هویت بصری جشنواره با رویکرد ایجاز و استفاده از نگاتیو کوتاه خبر داد. الهه طه‌یی با اشاره به دریافت ۳۰۱۸ اثر در بخش بین‌الملل، از انتخاب ۱۹۲ فیلم از ۱۳۷ کشور خبر داد. بیشترین آثار از برزیل، چین، ایران، آمریکا، ترکیه و ایتالیا بودند. جوایز نقدی برای بخش‌های «کرامت انسانی» و «فلسطین آزاد» درنظر گرفته شده

است. او مجموع آثار دریافتی را ۵۱۴۳ اثر اعلام کرد که نسبت به دوره‌های قبل ۱۴ درصد افزایش داشته است. یوسف منصوری، دبیر جشنواره، ضمن ابراز خرسندی از استقبال، از برنامه‌هایی چون خواهرخواندگی با جشنواره‌ای در اسلوواکی، تشکیل شورا برای عرضه بین‌المللی آثار، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پرسش و پاسخ با فیلمسازان در پردیس ملت خبر داد.



آگاهی و امید با سینمای بحران

در این گزارش به بازنمایی بحران در بستر سینما پرداخته‌ایم

دوره دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۶): سینمای پساجنگ

در اواخر دهه ۶۷ دوربین سینماگران به درون شهرها برگشت و بیشتر به آسیب‌های پیدا و پنهان پدیده جنگ پرداخت. در این دوره فیلم‌هایی مثل مهاجر (ابراهیم حاتمی‌کیا)، آژانس شیشه‌ای (ابراهیم حاتمی‌کیا) و از کرخه تا راین (ابراهیم حاتمی‌کیا) به مسائلی چون جانبازان، آسیب‌های



امیرحسین جودری
گروه فرهنگ و هنر

کشور ایران به عنوان سرزمینی که به خاطر موقعیت ژئوپلیتیکش قلب جهان شناخته می‌شود از دیرباز با بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی دست‌وپنجه نرم کرده و هربار در نهایت سربلند از آنها خارج شده است. آخرین بحرانی هم که گریبانگیر وطن‌مان شده فاجعه انفجاری بود که در بندرعباس رخ داد و موجب کشته و زخمی شدن جمعی از هموطنان شد. این حادثه بهانه‌ای شد تا به موضوع بحران و سینما بپردازیم؛ این‌که سینمای ما تا چه حد به این موضوع حساس بوده و به آن واکنش نشان داده است. ریشه سینمای بحران را می‌توان در یک دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جست‌وجو کرد؛ زمانی که موج نوی سینمای ایران آغاز شد.

سینمای بحران در ایران پس از انقلاب اسلامی، جریانی تأثیرگذار و چندبعدی در فضای فرهنگی-هنری کشور بوده است. این سینما با تمرکز بر بحران‌های متعدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تصویری واقع‌گرایانه از جامعه ایران ارائه داده و به عنوان آینه‌ای برای بازتاب دگرگونی‌های عمیق اجتماعی عمل کرده است. جنگ ایران و عراق به عنوان محوری‌ترین بحران در تاریخ معاصر ایران، نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری و تکامل سینمای بحران داشته اما این جریان به مرور زمان گستره‌ای از چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز دربر گرفته است.

نقطه‌عطفی در تاریخ سینمای ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقطه‌عطفی در تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود. سینمای ایران پس از انقلاب با کنار زدن جریان فیلمفارسی‌های دوران پیش از خود، به سوی جریان‌سازی فرهنگی در کشور و منطقه حرکت کرد. در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲)، به دلیل فقدان ضوابط تدوین‌شده فیلمسازی، سینمای ایران دوره‌ای از بی‌بست‌اندازی فرهنگی را تجربه کرد. پس از انقلاب، سینماگران به سه گروه تقسیم شدند: دسته اول فیلمفارسی‌سازها و سینماگران مبتذل بودند که عمدتاً از صحنه خارج شدند؛ دسته دوم سینماگرانی که با شکل‌گیری جشنواره فیلم فجر به استانداردهای مطلوب انقلاب دست یافتند و پایه‌گذار سینمای جدید ایران شدند و دسته سوم که منتظر ماندند تا شرایط مشخص تر شود. این دوره گذار با تولید اندک فیلم همراه بود، به‌طوری‌که در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳، فقط ۶۳۱ فیلم با میانگین سالانه ۲۸ فیلم تولید شد.

مهم‌ترین شاخه سینمای بحران

با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹؛ سینمای جنگ و دفاع مقدس به عنوان مهم‌ترین شاخه سینمای بحران در ایران شکل گرفت. سینمای دفاع‌مقدس در ۴۵ سال گذشته تحولات بسیاری به خود دیده است و از نظر نوع رویکرد پرداخت به موضوع جنگ و محتوای آن توان آن را به چهار دوره اصلی تقسیم کرد:

دوره اول (۱۳۵۹-۱۳۶۷): سینمای میدان نبرد

این دوره که می‌توان آن را سینمای میدان‌نبرد نامید، طول دوران دفاع مقدس را شامل می‌شود و به فضایی که در جبهه‌ها حاکم بود، می‌پرداخت. فیلم‌هایی چون افق (ساخنة رسول ملاقلی‌پور)، عقاب‌ها (ساخنة ساموئل خاچیکیان) و دیده‌بان (ساخنة ابراهیم حاتمی‌کیا) از جمله آثار شاخص این دوره محسوب می‌شوند. این فیلم‌ها عمدتاً با هدف تقویت روحیه مقاومت و با نگاهی آرمان‌گرایانه به جنگ می‌پرداختند. دیده‌بان اثر حاتمی‌کیا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های این دوره، تصویری واقع‌گرایانه‌تر از تجربه جنگ ارائه داد و با نمایش تنهایی و اضطراب سرباز دیده‌بان، لایه‌های عمیق‌تری از مفهوم ایثار و شهادت را به تصویر کشید. این فیلم از معدود آثاری بود که هم از نظر منتقدان و هم از نظر مخاطبان عام مورد توجه قرار گرفت.

روانی ناشی از جنگ

و دشواری‌های بازگشت

رزمندگان به زندگی عادی

پرداختند. آژانس شیشه‌ای

به عنوان یکی از تأثیرگذارترین

فیلم‌های این دوره، روایتی از

یک جانباز شیمیایی است که از

عدم رسیدگی به وضعیتش و

فراموش شدن آرمان‌های جنگ

نامید شده است.

این فیلم با طرح پرسش‌هایی

درباره نسبت جامعه-پس از

جنگ با آرمان‌های دوران

جنگ، گفتمانی انتقادی در

جامعه ایجاد کرد.

وظیفه

سینمای بحران

سینمای ایران به مثابه آینده‌ای تمام‌نما از فرازونشیب‌های تاریخی و اجتماعی این سرزمین، در ادوار مختلف با تکیه بر بحران‌ها، هم روایتگر دردها بوده و هم تربیونی برای مقاومت و امید. از دل خاکستر جنگ تحمیلی تا زخم‌های کهنه فقر و شکاف طبقاتی، سینماگران ایرانی کوشیده‌اند تا صدای جامعه را در قاب تصویر جاودانه کنند. اما این مسیر همواره میان دو قله «واقع‌گرایی صادقانه» و «حفظ هویت جمعی» در نوسان بوده است. جنگ، سینمای ایران را به بلوغی رساند که روایت‌هایش از ایثار و تنهایی، امروز بخشی از حافظه ملی ماست. با این حال، فاصله گرفتن از آن دوران، سینما را به سمت بحران‌های ملموس‌تری سوق داد: فقر، اعتیاد و شکاف‌های فرهنگی که در آثار فیلمسازانی چون روستایی و میکربویی، با تمامی تئلی‌ها و زیبایی‌هایش بازتاب یافت اما پرسش اینجاست که چرا سینمای ما در بازتاب فجایی مانند زلزله بم، ریزش متروپل یا فداکاری‌های پلاسکو این‌گونه کم‌مایه عمل کرده است؟ آیا ترس از تکرار کلیشه‌هاست یا محدودیت‌های ثانویه؟ نکته درخور تأمل، تقابل میان «واقع‌نمایی» و «تصویرسازی» است. هرچند برخی فیلم‌ها با نگاهی انتقادی، راهی به جشنواره‌های جهانی گشوده‌اند اما آیا این نماهای بی‌رحم، تمام حقیقت جامعه ایرانی‌اند؟ یا سینما مسئولیتی فراتر از نمایش پنجه‌ها دارد؛ مسئولیت خلق امید و حق کرامت انسانی؟ سینمای بحران ایران در گذر زمان ثابت کرده که می‌تواند همزمان آگاهی‌رسان، هشداردهنده و الهام‌بخش باشد. امروز اما نیازمند عبور از تک‌بعدی بودن است؛ ثبت دردها بدون روستایی تاب‌آوری‌ها، نمایش تاریکی‌ها بدون نادیده گرفتن نورهای کوچکی که در دل هر فاجعه می‌درخشند. شاید کلید آینده این سینما در خلق روایت‌هایی باشد که نه فقط بحران‌ها را روایت می‌کنند، بلکه از ظرفیت‌های انسانی برای غلبه بر آنها می‌گویند؛ روایت‌هایی که همچون خود مردم ایران، در مواج‌ها به توفان‌ها، ریشه در زمین امید دارند.

دوره سوم (۱۳۷۷-۱۳۸۸): کم‌رنگ شدن روایت جنگ

در دهه ۸۰، سینمای جنگ و دفاع مقدس کم‌رنگ‌تر شد. در این دوره، توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی افزایش یافت و روایت جنگ جای خود را به مسائلی چون بحران‌های اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی و چالش‌های فرهنگی داد. با این حال فیلم‌هایی مانند گیلانه (رخشان بنی‌اعتماد) با نگاهی زنانه به تأثیرات جنگ بر خانواده‌ها پرداخت و سرو زیر آب (محمدعلی



سوءاستفاده از سینمای بحران

اما هرچه از زمان جنگ بیشتر فاصله گرفتیم سینماگران و مخصوصاً بخش خصوصی برای تولید آثار خود دست روی معضلاتی مانند فقر، شکاف طبقاتی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، بحران‌های فرهنگی و هویتی گذاشتند که جامعه امروز ایران با آن درگیر هستند. هرچند که در این میان هستند کارگردانانی که با سوءاستفاده از این نوع از سینما تصویری منفی از جامعه ایرانی به تصویر کشیده‌اند که مورد توجه جشنواره‌های خارجی نیز قرار گرفته‌اند و تبدیل شده به ابزاری برای تبلیغ و شناخت ایران که مسلماً موجب درک نادرست مخاطبان خارجی به خصوص اروپایی و آمریکایی از کشور و فرهنگ ایران می‌شود.

روایت فقر و شکاف طبقاتی

یکی از معضلاتی که در سال‌های اخیر در سینما زیاد شاهد آن هستیم روایت فقر و شکاف طبقاتی است. سعید روستایی با فیلم ابد و یک روز تصویری تلخ از زندگی خانواده‌ای در جنوب شهر تهران ارائه داد که با مشکلات اقتصادی و اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این فیلم با زبانی واقع‌گرایانه و بی‌برده به آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر می‌پردازد و تصویری صادقانه از زندگی در حاشیه شهر ارائه می‌دهد. رضا میرکریمی در به همین سادگی و به حبه قند به شکاف میان زندگی شهری و روستایی و دگرگونی‌های فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون پرداخته است. این فیلم‌ها با نگاهی نوستالژیک به ارزش‌های سنتی و در عین حال نگاهی انتقادی به تبعات مدرنیته، تصویری از تعارضات فرهنگی در جامعه ایران ارائه می‌دهند.

معضل قدیمی

دیگر معضلی که جامعه ایرانی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و در سینما هم آثار زیادی درباره آن و تبعاتش تولید شده موضوع مواد مخدر و آسیب‌های آن است. یکی از آثار معروف سال‌های اخیر درباره اعتیاد و قاچاق مواد مخدر فیلم متری شیش و نیم است که با روایت داستان تعقیب و گریز پلیس مبارزه با مواد مخدر و یک قاچاقچی بزرگ، تصویری تکان دهنده از بحران اعتیاد و پیامدهای آن در جامعه ایران ارائه داده است. این فیلم با نمایش هر دو سوی ماجرا (پلیس و قاچاقچی)، نگاهی چندبعدی به این بحران اجتماعی دارد.

بحران‌های ملموس

اما در کنار بحران‌ها و معضلاتی که تاکنون از آنها صحبت شد، بحران‌هایی وجود دارند که ملموس‌تر از بقیه هستند و در حافظه جمعی ما ایرانیان ماندگار شده‌اند. بحران‌هایی که ناشی از حوادث طبیعی مانند سیل در شمال کشور و زلزله بم یا اشتباه انسانی مانند ریزش ساختمان متروپل، آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو یا حتی فاجعه انفجار بندرعباس هستند. اتفاق‌هایی که دورودارند؛ یک روی تلخ که سرشار از تازادی‌هاست و یک روی شیرین که به مایادآوری می‌کنند چرا مردم ایران و فرهنگ ایرانی با دیگر فرهنگ‌ها تفاوت دارد و چرا باید این فرهنگ را حفظ کرد. در سینما اما به این بحران‌های ملموس و عینی یا اصلاً پرداخته نشده و کمتر پرداخته شده، در صورتی‌که همان‌طور که پیش از این گفته شد این حوادث سرشار از موقعیت‌های دراماتیکی است که به راحتی می‌توان آن را روی پرده نقره‌ای سینما ماندگار کرد. یکی از این فجایع زلزله سهمگین بم بوده که پس از گذشت بیش از ۱۵ سال هنوز اثر درخوری برای آن ساخته نشده است، یا آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو صحنه فداکاری‌های آتش‌نشان‌های ایرانی بود اما در دنیای سینما فقط فیلم چهارراه استانبول است که به التهاب روزهای این حادثه می‌پردازد.

در دیگر موارد نیز سینمای ما مخصوصاً سینمای داستانی توجه چندانی به این موضوعات نداشته که این خود موضوعی است که علت‌یابی آن در این مقال نمی‌گنجد.

رویداد

نخستین نشست فعالان اکران سیار برگزار شد



نخستین نشست مشترک فعالان اکران سیار به میزبانی مؤسسه سینماشهر برگزار شد. در این نشست، مدیران عامل، رؤسای انجمن‌ها و نمایندگان نهادهای مرتبط حضور یافتند و گزارشی از فرآیند ۱۲ ساله سینماسیار ارائه شد. این گزارش، کمبود سالن سینما در بسیاری از مناطق کشور را دلیل اصلی فعالیت سینماسیار عنوان کرد. براساس آمار، در سال گذشته بیش از ۷۱ میلیون نفر در اکران‌های سیار فیلم‌های روز تماشاکرده‌اند که ۲۰ میلیارد تومان فروش داشته است. حبیب ایل بیگی، مدیرعامل مؤسسه سینماشهر، بر لزوم تنوع در سید فیلم‌های اکران سیار و تأمین امنیت آثار تأکید کرد و گفت که این نشست با هدف بررسی دغدغه‌ها و رسیدن به سند اجرایی واحد برگزار شده است. ابراهیم عامریان، رئیس انجمن پخش‌کنندگان، آمادگی خود را برای همکاری اعلام کرد اما بر امنیت فیلم‌ها تأکید داشت. سلمان نصیری در درخواست‌های اکران سیار بین‌المللی خبر داد و سیدمحمد نیاکی اکران سیار را مصداق عدالت فرهنگی دانست.

گیشه

«صیاد»

به فروش سه میلیاردی رسید



فیلم سینمایی «صیاد» به کارگردانی جواد افشار، روایتی از زندگی فرمانده شهید علی صیادشیرازی، توانست در ادامه اکران خود به فروش سه میلیارد تومانی دست یابد. این فیلم به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی و نویسندگی حسین تراب‌نژاد، پیش از این در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر دو سیمرغ بلورین کسب کرده و مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفته بود. صیاد با تمرکز بر بخش‌های مهمی از زندگی و فعالیت‌های نظامی این شهید برجسته، نگاهی انسانی به شخصیت او ارائه می‌دهد و به چالش‌ها و دغدغه‌های درونی وی می‌پردازد. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «مدتی است این سؤال رها می‌نم‌کنند؛ چرا گلوله‌ها از کنار می‌گذرند و نادیده‌ام می‌گیرند؟» این جمله کوتاه، جوهره فیلم را به تصویر می‌کشد. مجری طرح فیلم مؤسسه فرهنگی هنری صاد و محصول مشترک بنیاد فآرایی و بنیاد شهید و امور ایثارگران است. در این اثر بازیگران مطرحی چون علی سربانی، هومن برق‌نورد و... به ایفای نقش پرداخته‌اند.

قاب

مستند «الکافی» آنلاین می‌شود

مستند «الکافی» ساخته مسعود طاهری که به سرگذشت مهم‌ترین کتاب از کتب اربعه شیعیان می‌پردازد، فردا ۱۰ اردیبهشت اکران آنلاین می‌شود. این فیلم ۱۱۰ دقیقه‌ای که تصویربرداری آن در سه مرحله در پاریس، عراق (بغداد و نجف) و ایران (ری، قم، تهران) انجام شده، از ساعت ۱۲ ظهر فردا در پلتفرم «هاشور» به نمایش درمی‌آید. اکران آنلاین الکافی به مدت یک ماه ادامه خواهد داشت. مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی نمایش، این اثر را برنامه‌ریزی کرده است. طاهری کارگردان مستندهای دیگری چون «حرفهای» و «مشرق» نیز بوده است.

